

اشک های نوحروس به قتل تازه داماد انجامید



نوحروس وقتی با اشک و گریه با خواهرش درددل کرد و از دست شوهرش گلایه کرد، نمی دانست برادرش تاب نمی آورد و قتل خونین رخ خواهد داد.

عصر ۲۴ مرداد ماه سال ۹۸ عابری که از خیابان استاد معین می گذشتند با صحنه درگیری خونینی روبه رو شدند...

پنجشنبه اول تیر ۱۴۰۲
۳ ذی الحجه ۱۴۴۴
سال بیست و نهم
شماره ۸۲۱۴

Iran Newspaper

ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

حوادث ایران

ماجراهای تلخ و شیرین / کارشناسی پرونده‌ها / داستان‌های خواندنی جنایی / خاطرات جامانده و ... هر روز در روزنامه ایران

در گفت و گو با عامل قتل خانوادگی صبا شهر شهریار تشریح شد

پسپ و حقیقت

مرد جوان که در اقدامی هولناک دست به قتل فجیع اعضای خانواده‌اش زده است هنوز باور ندارد که همسر و ۲ فرزندش را به قتل رسانده و با گریه می گوید من خانواده‌ام را می خواهم!

به گزارش «ایران»، رسیدگی به این پرونده از ظهر ۲۸ خرداد امسال و از زمانی کلید خورد که همسایه‌ها به کلانتری محل اطلاع دادند یک زن و ۲ فرزندش به طرز مرموزی کشته شده‌اند.

قتل مادر و ۲ کودکش
وقتی گشت پلیس به محل جنایت که در یکی از خانه‌های واقع در صبا شهر شهریار بود رسیدند با ۳ قربانی غرق در خون به نام‌های فاطمه ۲۶ ساله، اسماعیل سه و نیم ساله و ادریس دو و نیم ساله روبه‌رو شدند و این در حالی بود که صدای گریه‌های



گفت و گو با قاتل

مرد جوان در حالی که باورش نمی‌شود ۲ پسر و همسرش را کشته است به لرزه افتاده و با جملاتی کوتاه می‌گوید، من خانواده‌ام را می‌خواهم باور ندارم که چنین کاری را مرتکب شده‌ام، من قدر ظالم بودم... نگاهی خیره‌کننده به روی میز داشت به طوری که پلک‌هایش هم تکان نمی‌خورد!

چند سال داری؟
۲۹ سال
چرا همسر و دو فرزندت را کشتی؟
من باور ندارم که چنین کاری کرده‌ام.
چطور می‌توانست این اتفاق بیفتد؟
من چند سالی در ترکیه بودم که موقع برگشت مادرم مرا به خواستگاری دختر خاله‌ام برد، او یک بار ازدواج ناموفق هم داشت.

یک بچه از داخل اجاق گاز خانگی به گوش می‌رسید که به سرعت مأموران به محل رفته و مشخص شد فرزند کوچک خانواده داخل گاز خانه پنهان شده است.

سرنوشت تنها نجات یافته
بررسی‌های میدانی نشان از آن داشت که مادر خانواده با پیش‌بینی اقدام هولناک همسرش برای نجات فرزند کوچکش او را داخل گاز خانه پنهان کرده است.

به دستور بازپرس کشیک قتل که خودش را خیلی زود به صحنه جنایت رسانده بود، اجساد به پزشکی قانونی منتقل شدند. رازگشایی این پرونده در حالی در دستور کار آگاهان جنایی قرار گرفت که با معمای پیچیده‌ای روبه‌رو شده بودند و تجسس‌ها برای دستگیری عامل این جنایت هولناک کلید زده شد.



نگاه کارشناس

سرکار برگردم دیگر او و بچه‌ها را نمی‌بینم. این جمله انگار باعث شد خونم به جوش بیاید و با جاقوی آشپزخانه به جان او و پسرانم افتادم.
آیا فهمیدی که دخترت زنده مانده است؟
ماجرای درگیری ما از یک سال قبل از زمانی شروع شد که پسرعموی همسرم سر و کله‌اش پیدا شد.
او در افغانستان زندگی می‌کرد و از ما می‌خواست آنجا برویم اما من از این ماجرا حس خوبی نداشتم...
شب جنایت چه اتفاقی افتاد؟
من از سرکار آمدم که بر سر همین رفتن به افغانستان باهم درگیر شدیم. دعوا تمام شد و خوابیدیم صبح که بلند شدم به سرکار بروم به من گفت که اگر از سرکار برگردم دیگر او و بچه‌ها را نمی‌بینم.

بگیری پرونده



فرهنگی مثل این باور که کشتن همسر باعث حفظ ناموس می‌شود... چنین زمینه‌های فکری در شخص وجود داشته که علاوه بر آن اعتیاد به مواد مخدر این افکار را تشدید کرده است.
این فرد به درجه‌ای از خشم و ناتوانی در کنترل خود می‌رسد بر اثر عدم کنترل خشم دست به قتل می‌زند. گاه این خشم در نتیجه کدورت‌ها و حل نشدن مشکلاتی هر چند کوچک چنان انباشته می‌شود که همچون آتشی زیر خاکستر با یک تلنگری زبانه می‌کشد.
در این پرونده به دلیل شکاک بودن و بی‌اعتمادی مرد نسبت به همسر خود که نشأت گرفته از حضور پسرعموی همسرش بوده است. وی دچار کمبود محبت و خلأ عاطفی از جانب همسر خود بوده که دچار افسردگی می‌شود از طرفی اظهار نظر اقوام و آشنایان در خصوص رفتارهای همسرش که اعتراض داشتند به آن و همچنین تعصبات پوچ ناشی از ساختار قومیتی

حوادث ویژه

صدر کفیفرخواست برای عاملان شهادت مولوی

عبدالواحد ریگی



دادستان عمومی و انقلاب مرکز سیستان و بلوچستان از دستگیری ۲ نفر و رسیدگی سریع به پرونده شهادت مولوی عبدالواحد ریگی خبر داد. مهدی شمس‌آبادی در زاهدان اظهار کرد: به محض وقوع حادثه سریعاً اقدامات پلیسی در این زمینه آغاز و پلیس وارد عمل شد.

دادستان عمومی و انقلاب مرکز سیستان و بلوچستان افزود: در کمتر از یک هفته، ۳ نفر از متهمان دستگیر و اعتراف کردند که با حمله، شهید مولوی عبدالواحد ریگی را سوار خودرو کرده و در مسیری او را با اسلحه به شهادت رسانده‌اند. وی ادامه داد: پرونده در شعبه ویژه قتل رسیدگی و تحقیقات تکمیل شد. دادستان عمومی و انقلاب مرکز سیستان و بلوچستان گفت: برای یک نفر از متهمان کفیفرخواست به عنوان مباشرت در قتل عمدی و برای دو نفر دیگر معاونت در جرم قتل عمد صادر و پرونده به دادگاه کفیفری یک ارسال شد.

حمله خونین همراهان یک کودک به بیمارستان لولاکر

۲ مرد عصبانی در بیمارستان لولاکر با وحشت‌آفرینی مأمور حراست بیمارستان را زخمی کردند. صبح دیروز ۲ مرد در حالی که کودک خردسالی را همراه داشتند وارد بیمارستان لولاکر در خیابان آذربایجان تهران شدند و از پرستاران برای کمک به کودک خردسال که حال وخیمی داشت، درخواست کمک کردند.

۲ مرد برای درخواست کمک‌شان از پرستاران شروع به داد و فریاد کردند و به مأموران انتظامات و حراست که برای آرام کردن آنها آمده بودند حمله کرده و یکی از مأموران حراست را هل می‌دهند که مأمور جوان روی زمین افتاده و مصدوم می‌شود. مأمور انتظامات حاضر در بیمارستان به سرعت وارد عمل شده و یکی از مردان عصبانی را که باعث برهم زدن نظم بیمارستان و مصدوم کردن مأمور حراست شده بود، دستگیر کرد اما همدمت وی پا به فرار گذاشت.

فاش شدن مرگ پیرمرد توسط فرزندان خارج نشین

فرزندان مرد سالخورده وقتی از پدرشان بی‌خبر ماندند، با پیگیری متوجه مرگ او شدند. به گزارش «ایران»، رسیدگی به مرگ مشکوک پیرمرد ۷۰ ساله در خانه‌اش واقع در محله یوسف‌آباد تهران غروب سه شنبه ۳۰ خرداد امسال در دستور کار وحید ناصری بازپرس کشیک قتل پایتخت قرار گرفت. در تحقیقات ابتدایی مشخص شد که پیرمرد به تنهایی زندگی می‌کرد و همسر و فرزندان او در یکی از کشورهای خارجی ساکن هستند و بخاطر نگرانی از حال او وکیل‌شان را در جریان قرار دادند و وکیل موضوع را به پلیس اطلاع داده و مأموران با ورود به خانه پیرمرد با جسد او مواجه شدند که چند ساعتی از مرگ او می‌گذشت. مشاهدات ابتدایی حکایت از آثار کبودی در ناحیه دور دهان متوفی داشت.

مخفیگاه این مجرم فراری کجاست!؟



فرماندهی انتظامی استان فارس با انتشار تصویر متهم متواری سید حسین موسوی از مردم خواست تا در صورت مشاهده یا شناسایی این فرد، مراتب را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند. این متهم به مشخصات سید حسین موسوی تحت تعقیب مراجع قضایی و انتظامی است. بنا به درخواست مرجع قضایی، تصویر بدون پوشش این متهم در رسانه‌ها منتشر می‌شود تا کسانی که متهم فراری را مشاهده کرده یا اطلاعاتی از وی دارند، مراتب را از طریق تلفن ۱۱۰ به پلیس اطلاع دهند.

جهنم خود ساخته!

شک و تردید مثل موربانه به فکر و ذهنم افتاده، با این وضعیت خانه برایم جهنم شده و یک لحظه آرام و قرار ندارم. وقتی می‌بینم شریک زندگی‌ام نسبت به من بی‌اعتماد شده عذاب می‌کشم. رنگی به کفش ندارم که بخواهم بترسم. ولی دوست ندارم این وضعیت ادامه پیدا کند.
اعتراف می‌کنم اشتباه کرده‌ام؛ پدرم همیشه حرف خوبی می‌زند و می‌گوید کلاه خودتان را سافت نگه دارید تا باد آن را نبرد.
من مراقب نبودم و خیلی چیزهای به ظاهر پیش پا افتاده را جدی نمی‌گرفتم. اما همین مسائلی، خیلی درد سرساز شدند و امروز کارم به مرکز مشاوره کشیده است. البته‌ای‌کاش از روز اول اینجای می‌آمدم و این قدر حرص و جوش نمی‌خوردم.
اول شما چه پنهان فکر می‌کنم مشکل من از عکس‌هایی شروع شد که بی‌پروا در صفحه فضای مجازی خودم می‌گذاشتم. عکس‌های بی‌حجاب و بعضی وقت‌ها لوس و مسخره‌آمیز باعث شد چند بار مزاحم پیدا کنم.
ولی آنها وقتی بی‌بی‌توجهی‌ام روبه‌رو می‌شدند دنبال راه خودشان می‌رفتند. در همین فضای مجازی بود که با همسرم آشنا شدم و این ارتباط به ازدواج انجامید. از روز اول خانواده همسرم مرا قبول نمی‌کردند و می‌گفتند رفتار و حرکات تو جلف و سبک است. آنها حتی در مورد عکس‌هایی که از خودم در فضای مجازی می‌گذاشتم نیز گلایه‌مند بودند. ولی توجهی نمی‌کردم و تازه بعد از ازدواج، دیگر سخت‌گیری‌های خانواده‌ام را نیز در مورد نوع پوشش و حجاب ندانستم. همین مسائل سبب شد یک آدم بی‌سروپا که از آشنایان درمیان است در فضای مجازی مرا دنبال کند و بعد هم با مزاحمت‌های وقت و بی‌وقت کاری کرد که جرأت نمی‌کردم پا از خانه بیرون بگذارم. این آدم مزاحم دست بر نمی‌داشت و من موضوع را از شوهرم مخفی کرده بودم. چند بار که

یگانه کوچولو در همدان گم شد!



یگانه ضمنی ۷ ساله دختر کوچولوی همدانی آخرین روزهای خرداد امسال در سناریوی عجیبی ناپدید شد و خانواده‌ای دل‌نگران او هستند. ساعت ۲۲ شب ۲۹ خرداد ماه سال جاری دختر بچه‌ای به نام یگانه ضمنی که در خیابان محله‌شان در همدان مشغول بازی بود به طرز مرموزی ناپدید شد و با گذشت ۳ روز همچنان خانواده‌اش خبری از دختر کوچکشان ندارند.
شب گم شدن یگانه
این کودک ۷ ساله حوالي ساعت ۱۰ شب برای بازی کردن با دوستانش به خیابان رفته بود تا با آنها مشغول بازی شود اما بعد از گذشت ساعاتی پدر در بازگشت به خانه متوجه می‌شود که خبری از دخترش نیست و سراغ یگانه کوچولو را از همسرش می‌گیرد و متوجه می‌شود دخترش برای بازی به کوچه رفته است اما اثری از دختر کوچولو و دوستانش در خیابان نبود.
گفت و گو با پدر یگانه کوچولو
کی متوجه گم شدن دخترتان شدید؟
وقتی از سرکار به خانه آمدم، دیدم نیست.
مادر یگانه کجا بود؟
مادر او به دلیل بی‌قراری یگانه برای رفتن به بیرون خانه به او اجازه داد.